

روزگار دریایی است.... تشبیه

کشتی زندگانی: تشبیه / زندگی: شب / کشتی: شبیه / ساحل: مقصود: تشبیه / مقصود: شب

ساحل: شبیه

این دریای بزرگ: منظور از روزگار / جزر و مد: تضاد

در جزر و مد بودن: کنایه از فراز و نشیب های زندگی / فردا: منظور آینده

اتوفانی شدن

به اعماق دیافرو رفتن: کنایه از مردن و نابود شدن / فرط: زیاده روی،

گذشتن از حد

حساب کار خود را داشته باش: کنایه از اینکه مراقب اعمال خودت باش

روزگار چون باد و ابر: تشبیه / قدر امروز را بدان: فرصت حال را دریاب

کار امروز را به فردا میسکن: کنایه از بهانه جویی کردن، تعلل کردن

مسرور: شاد و شاداب، خوشحال / عجول: شتابان / افعال: کارها

بار غم: اضافه تشبیه / بار غم را به دوش کشیدن: کنایه از تحمل رنج و سختی

شکسپیر: یکی از عایش نویس های بزرگ اروپایی / اضطراب: پریشانی

راه خوشبختی



«شکسپیر» می گوید: «روزگار دریایی است که کشتی زندگانی ما بر روی آن به سوی ساحل مقصود می رود. این دریای بزرگ، همیشه در جزر و مد است. اگر امروز آرام باشد، مسلماً فردا توفانی خواهد شد؛ بنابراین وقتی آرام است، فرصت را غنیمت بشمارید. بسا اشخاص که در نتیجه غفلت از گذر عمر استفاده نکردند و به اعماق این دریا فرو رفتند.»

«گذشته» رفته و «آینده» نیامده است؛ بنابراین شما جز «حال» چیزی ندارید. فقط امروز در اختیار شماست. برخیزید و برای کار آماده باشید و از هیچ چیزی بیم ندارید؛ تاب و تحمل داشته باشید. همیشه در کارها چنان باشید که گویا فردایی نخواهد بود. کاری را که امروز شروع می کنید، قسمتی از آن را به پایان می رسانید ولی اگر برای فردا بگذارید، ممکن است اصلاً فردا را نبینید.

این گفتار را در خاطر داشته باشید: «ای کسی که دوره نوجوانی را می گذرانی از فرط غرور کمان می کنی روزگار درازی در پیش داری، حساب کار خود را داشته باش که روزگار چون باد و ابر، ناپایدار و گذراست. عمر خود را تلف مکن. در وقت خویش صرفه جویی کن. قدر امروز را بدان و کار امروز را به فردا میسکن.» شما فقط امروز را دارید؛ اگر مسرور هستید، از برکات آن استفاده کنید و اگر غمگین هستید، با صبر و تحمل و توکل به خدا و امید به فردایی روشن، بار غم را به دوش بکشید. اهمیت زندگی به شمار روزها و شب ها نیست، بلکه مربوط به اعمال و افعال ماست؛ کسی که اوقات خود را به کارهای ناشایسته می گذراند، چنان است که زندگانی خویش را تلف کرده باشد.

لازم نیست در کارها عجول باشید؛ یعنی نباید بدون تفکر و تأمل به کاری اقدام کنید ولی همین که تصمیم گرفتید کاری را انجام دهید، بلافاصله شروع کنید و تعلل روا ندارید؛ کار امروز را به فردا میسکنید که جز پشیمانی سودی ندارد. باید برنامه خود را چنان مرتب کنیم که در هر ساعتی، کار معینی داشته باشیم و به انجام آن کار پردازیم و گرنه مقدار زیادی وقت ما پیوسته تلف می شود.

نشاط و شتاب و اضطراب از ویژگی های نوجوانان و جوانان است؛ زیرا هنوز با زندگی چنان که باید آشنا نشده اند و از سرد و گرم روزگار خبری ندارند.

مناات: وقار، استوار بودن

پیران سانخورده: کنایه از باتجربه بودن

تعقل: بهانه آوردن / کائنات: موجودات / سلسله: زنجیره، رشته

پاس داشتن: نگه داری کردن / از دست رفتن: نابود شدن

انگشت ندامت به دندان گزیدن: کنایه از پشیمانی

اگر کسی آنها را در راه زندگی راهنمایی نکند، ممکن است از راه راست منحرف شوند برعکس، اگر عقل و منات را شعار خود کنند و پیران سال خورده را که عمر درازتر و تجربه بیشتر دارند، در این راه پر خوف و خطر راهبر خود قرار دهند، زندگی را به راحت و آسایش خواهند گذرانید و ممکن است در ایام پیری بتوانند برای دیگران کارهای مفیدی انجام دهند.

کارهایی که ما می کنیم، فقط مربوط به خودمان نیست؛ بلکه به آیندگان نیز ارتباط دارد. به این جهت اگر در انجام وظایف خود تعلل کنیم، حتی آنها را پایمال کرده ایم. وقت ما در سلسله کائنات جای مخصوص دارد و باید آن را برای کارهای مفید صرف کنیم و گرنه نظام آفرینش را به هم زده ایم و خطای بزرگی مرتکب شده ایم.

این یکی از عادات ماست که هرچه را داریم، پاس نمی داریم و همین که از دست رفت، متوجه خطای خود می شویم. انگشت ندامت به دندان می گزیم و سودی نمی بریم. بنابراین، همیشه باید به خاطر داشته باشیم که وقت، عزیز و گران بهاست. از تلف کردن آن جز حسرت و ندامت ثمری نخواهیم برد.

روزهایی پس از دیگری، از پی هم می گذرند و همین که سپری شدند، باز آوردنشان محال است؛ از گذشته درس بگیریم، حال را آگاهانه بگذرانیم و به آینده امیدوار باشیم.

آریه های ادبی:

تشخیص: هرگاه صفت یا ویژگی انسان را به غیر انسان نسبت دهیم آریه تشخیص به وجود می آید.

مثال: چشم های آسمان را اشک همچون پرده ای پوشید.

قلب بانچه زیر آفتاب ورم کرده است / که **دین بانچه** دارد آرام آرام از خاطرات سزستی می شود.

حیات خانه ماتنهاست. حیات **خانه** مادر انتظار بارش یک ابر ناشناس **خیازه** می کشد.

من به آغاز زمین نزدیکم **بفن گل** هارامی کیرم.

گل بخندید که: از راست زنجم ولی / هیچ عاشق سخن سخت به مشوق نگفت

نکته: هر غیر انسانی که مورد ندا و خطاب قرار بگیرد آریه تشخیص دارد.

ای قطره های باران با جوی **با بگوید** / کان رهرو غم آلود زین رهگذر کجا رفت

ای جوی های آرام **از رود با پرسید** زین راه راست پیوند آن بهمفر چرا رفت

یا مرا بیرای **عشق** با خود به سفر / مرا ز خویش بگیر و مرا ز خویش ببر

تشبیه: یعنی مانند کردن چیزی یا کسی به چیز یا کسی دیگر. تشبیه یعنی ادعای همانندی میان دو یا چند چیز.

ارکان تشبیه: مشبه / مشبه به / ادات تشبیه / وجه شبه

مشبه: چیزی که قصد مانند کردن آن را داریم / **مشبه به:** چیزی که مشبه به آن مانند می شود / **ادات تشبیه:** کلمه ای که میان کمر رابطه شباهت است. / **وجه شبه:** صفت یا ویژگی

مشترک بین مشبه و مشبه به

مهمترین ادات تشبیه عبارتند از: مثل، مانند، چون، همچون، بر مثال، بشیوه، بسان، بگردار، برسان، ماند، می ماند، و....

نکته: پسوند های شباهت هم مانند ادات تشبیه معنای شباهت و همانندی را می رسانند. **مهمترین پسوند های شباهت عبارتند از:** (سا، آسا، وار، وش، کون، کونه، نا، فام، صفت)

کل + کون = گلگون (مانند گل) / مه + سا = مسما (مانند ماه) / مه + وش = مמוש (مانند ماه) / صدف + وار = صدف وار (مانند صدف)

ترتیب پیدا کردن تشبیه: الف: ادات تشبیه / ب: مشبه به / ج: مشبه / د: وجه شبه

مادمانند فرشته ای مهربان است. ادات تشبیه: **مانند** / مشبه به: **فرشته** / مشبه: **مادر** / وجه شبه: **مهربان**

ایام گل چون **عمر** بر رفتن **شباب** کرد / ساقی به دور باد **گلگون** **شباب** کن

چون: ادات تشبیه / عمر: مشبه به / گل: مشبه / بر رفتن **شباب** کرد: وجه شبه

گاهی اوقات برخی از ارکان تشبیه حذف می شود.

مثال: حقیقت لاغرک میثی که قربانی است. **حقیقت**: مشبه / **میث**: مشبه به / **قربانی**: وجه شبه / ادات تشبیه محذوف است.

دلت همچون سنگ است / دل: مشبه / **همچون**: ادات تشبیه / **سنگ**: مشبه به / وجه شبه محذوف است

ملاحظات نظیر: آوردن واژه های از یک مجموعه که با هم هماهنگی داشته باشند. این هماهنگی می تواند از نظر جنس، نوع، زمان، مکان یا برای باشد.

کوه و دریا و دختان همه در تسبیح اند / نه همه مستمعی فهم کند این اسرار
(کوه و دریا و دخت پدیده های جهان آفرینش هستند)

ابرو بادومه و خورشید و فلک در کارند / تا توانی که به کف آری و به غفلت نخوری
(ابرو بادومه و خورشید و فلک پدیده های آفرینش هستند)

به روز نبرد آن یل ارجمند به **شمشیر و خنجر به کرز و کند** / برید و دید و شکست و بخت یلان را **سرو سینه و پا و دست**

(شمشیر و خنجر و کرز و کند ابزار جنگ می باشند. سرو سینه و پا و دست اعضای بدن می باشند.)

کنایه: کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن و سربسته سخن گفتن است. اما در اصطلاح ادبی آوردن سخن و عبارتی است که یک معنای نزدیک و یک معنای دور داشته باشد. در کنایه معنای دور مورد نظر می باشد.

آش برای کسی چختن: **کنایه از نقشه کشیدن برای کسی** / آب در دهون گویدن: **کنایه از کاری پیوده کردن**. / کلاه ای زیر نیم کلاه داشتن: **کنایه از حیل و نیرنگ داشتن**

از خر شیطان پیاده شدن: **کار خطرناک و احتمالاً راکند گذاشتن** / پاد کفش کسی کردن: **کنایه از دخالت کردن** / شانه و شونه کشیدن: **کنایه از تهدید کردن**. / قدری کردن

بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک / بگفت آنکه که باشم خفته در خاک / خفته در خاک بودن : کنایه از مردن

فلانی ریش سفید این محله است . کنایه از با تجربه بودن

باقی را تقدیر خط بکش و بگذار ساق بکند . کفتم ای بابا خدا را خوش نمی آید این بد بخت ۸ سال آرگار یک برایشان چنین پایی می افتد و شکمها را مدتی صابون زده اند .

خط کشیدن : کنایه از نادیده گرفتن / ساق مکیدن : کنایه از انتظار پیوده کشیدن / شکم را صابون زدن : وعده به خود دادن ، دل خوش کردن

قالب هجس شعری :

شوی : قالب شعری است که هر دو مصراع آن قافیه دارد و قافیه هر بیت دیگر متفاوت است . (هر بیت قافیه جداگانه دارد .)

مناسب ترین قالب برای سرودن داستان های بلند و اشعار طولانی است .

شوی معنوی اثر مولانا و شاهنامه اثر فردوسی در قالب شوی سروده شده است .

شکل کرافیکی قالب شوی :

الف

الف

ب

ب

ج

ج

د

د

چهارپاره (دویمتی پوست)

قالبی شعر است که از چند بند تشکیل شده است. هر بند شامل چهار مصراع هم وزن با همبند است و مصراع های زوج آن هم قافیه است و قافیه هر بند با بند های دیگر متفاوت است.
محتوای چهارپاره مسائل مینوی و غنایی و اجتماعی است.

الف.....

الف.....

ب.....

ب.....

قالب غزل: قالب شعری است که مصراع اول با همه مصراع های زوج هم قافیه است. غزل در قرن ششم به وجود آمده است و در قرن هفتم به اوج خود رسیده است. مشهورترین غزل
سرایان فارسی عبارتند از: سعدی، حافظ، مولوی و خواجوی کرمانی

موضوع غزل بیان احساسات و عواطف، مسائل عاشقانه و عارفانه است. و در دوران معاصر مسائل سیاسی و اجتماعی در غزل مطرح شده است.

شکل کرافیکی قالب غزل:

\$ \$

\$ \$

\$ \$

قالب قطعه: قالب شعری است با ابیات هم وزن که **نقطه مصرع های زوج آن قافیه** دارد. از مشهورترین قطعه سرایان می توان به **(ناصر خسرو، پروین اعتصامی، ابن یمن و سعدی)** اشاره کرد

موضوع قالب قطعه **پند و اندرز** مسائل آموزشی و تعلیمی است.

شکل گرافیکی قالب قطعه:

\$ \$

\$ \$

\$ \$

قصیده: قالب شعری است که در آن **مصرع اول** با همه **مصرع های زوج هم قافیه** است. موضوع قصیده **مدح و ستایش** و توصیف است. مشهورترین قصیده سرایان فارسی: **سعدی، خاقانی، ناصر خسرو.....**

\$ \$

\$ \$

\$ \$

تفاوت قصیده و غزل: تعداد ابیات قصیده از غزل بیشتر باشد. موضوع قصیده با غزل متفاوت است. **تعداد ابیات قصیده از پانزده بیت بیشتر است.** تعداد ابیات غزل **بین پنج تا دوازده بیت است.**



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد